

تحلیل زیباشناسی واژگان و اصطلاحات حقوقی در تصویرسازی شعر سعدی

مهدی باقرپور، دکتر محمد رضا روزبه*، دکتر محمد خسروی شکیب، دکتر صفیه مرادخانی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

سال هجدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۴، صص ۲۹۴-۲۸۱

<https://irandoi.ir/doi/10.iran.2002/bahareadab.2025.18.7957>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ایماژ تصویری است که از طریق کاربرد هنرمندانه واژگان ساخته میشود. از قرن ششم به بعد برخی شاعران اساس تصویرآفرینی شعر خود را بر کاربرد واژگان و اصطلاحات علمی علوم مختلف نهادند. سعدی از جمله این شاعران است که زبان، واژگان، اصطلاحات و اندیشه‌های حقوقی را در خدمت زیبایی‌آفرینی و تصویرسازی هنری غزلیات خود به کار گرفته‌است. این مقاله با هدف تعیین اثر زیباشناسی واژگان و اصطلاحات حقوقی و شگردهای آن در تصویرسازی غزل سعدی مورد بررسی قرار گرفت.

روشها: در این پژوهش تمام غزلیات سعدی با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، با تحلیل زیباشناسی واژگان و اصطلاحات حقوقی در تصویرسازی غزلیات سعدی مورد پژوهش قرار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان میدهد که مهارت سعدی در گزینش و کاربست واژگان و اصطلاحات حقوقی و نوع چینش و ترکیب این واژگان، با استفاده از ایجاد تناسبها و قرینه سازی واژگان متضاد، هم‌معنا یا همگروه و برجستگی کلام از راه تقابل واژه‌ها، گزینش و کاربست هنرمندانه واژگان و اصطلاحات حقوقی در محور همنشینی شعر و در نهایت آشنایی‌زدایی و درنگ در واژگان حقوقی سبب التذاذ ادبی، زیباشناسی هنری و تصویرآفرینی در غزلیات او شده‌است. **نتیجه گیری:** واژگان، اصطلاحات و اندیشه‌های حقوقی سبب تصویرسازی شعر سعدی شده است.

تاریخ دریافت: ۰۶ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۰۸ تیر ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۲۳ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۰۷ شهریور ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

واژگان و اصطلاحات حقوقی، تصویرسازی، غزلیات سعدی

* نویسنده مسئول:

Roozbeh.m@lu.ac.ir

☎ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The aesthetic application of legal words and terms in the illustration of Saadi's poetry

M. Bagherpour, M.R. Roozbeh*, M. Khosravi Shakib, S. Moradkhani

Department of Persian Language and Literature, University of Lorestan, Khorramabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 27 May 2025

Reviewed: 28 June 2025

Revised: 14 August 2025

Accepted: 29 August 2025

KEYWORDS

Legal vocabulary and terms, imagery, Saadi's lyrical poetry

*Corresponding Author

✉ Roozbeh.m@lu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Image is a picture created through the artistic use of words. From the sixth century onwards, some poets based their poetic imagery on the use of scientific vocabulary and terms from various sciences. Saadi is one of these poets who used language, vocabulary, terms, and legal ideas to create beauty and artistic imagery in his ghazals. This article aims to determine the aesthetic effect of legal vocabulary and terms and its techniques in the illustration of Saadi's lyric poems.

METHODOLOGY: In this study, all of Saadi's lyric poems have been studied using a descriptive-analytical method, relying on library resources, and analyzing the aesthetics of legal vocabulary and terms in the illustration of Saadi's lyric poems.

FINDINGS: Show that Saadi's skill in choosing and using words and legal terms and the type of arrangement and combination of these words parallels the simplicity and fluency, structural and semantic coherence of his poetry by using proportions and juxtaposition of opposite words, synonyms or group and prominence, Words through the contrast of words and the tone of letters, honesty in speech, the selection and artistic use of words and legal terms in the axis of the poem's companionship, and finally the defamiliarization and delay in legal words have caused literary taste, artistic aesthetics and image creation in his sonnets.

CONCLUSION: Legal vocabulary, terms, and ideas have caused the imagery of Saadi's poetry.

<https://irandoi.ir/iran.2002/bahareadab.2025.18.7957>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 25	 0	 0

مقدمه

ایماژ تصویری است که از طریق کاربرد هنرمندانه واژگان ساخته میشود. از قرن ششم به بعد برخی شاعران اساس تصویرآفرینی شعر خود را بر کاربرد واژگان و اصطلاحات علمی علوم مختلف نهادند. مطالعات عمیق و گسترده سعدی در بسیاری از علوم به ویژه فقه و حقوق سبب شد که در موارد گوناگون زبان، واژگان، اصطلاحات و اندیشه‌های حقوقی را در خدمت زیبایی‌آفرینی و تصویرسازی هنری غزلیات خود به کار بگیرد. نظر به درهم‌تنیدگی واژگان، اصطلاحات و مفاهیم حقوقی در غزل سعدی که گاه سبب دشواری در تلفظ درست واژگان، فهم و کاربست واژگان، اصطلاحات و مفاهیم حقوقی شده است این پژوهش می‌تواند با تبیین واژگان، مفاهیم و اصطلاحات حقوقی سبب شناخت هرچه بیشتر مفاهیم و اندیشه‌های قضایی و حقوقی غزل سعدی شود؛ بنابراین هدف از این پژوهش تعیین اثر کاربرد واژگان و اصطلاحات حقوقی بر زیباشناسی و تصویرسازی غزل سعدی است.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که تا کنون در زمینه ادبیات حقوقی در زبان فارسی در داخل کشور انجام شده است: ۱- محمدحسن حجریان کتابی در سال ۱۳۸۸ با عنوان تجلی مفاهیم و نظامات حقوقی در شعر فارسی به چاپ رسانده که در این کتاب به اختصار برخی از مفاهیم و اصطلاحات قضایی - حقوقی از جمله حقوق جزا، جرایم علیه اموال و جرایم علیه اشخاص، شیوه محاکمه و نحوه دادخواهی و رسیدگی به جرایم را همراه با نمونه‌هایی از شعر فارسی بیان کرده است. ۲- کتاب جرم‌شناسی در ادبیات اثر عباس ایمانی به بررسی اندیشه‌های جرم‌شناسی در آثار سعدی و مولوی پرداخته است. در بخش اول به بررسی و سنجش کلی آثار سعدی و مولوی از منظر جرم‌شناسی پرداخته و در بخش دوم اندیشه‌های ادبی و دیدگاه‌های سعدی و مولوی در زمینه مطالعات جرم‌شناسی و علت‌شناسی جنایی پرداخته و اندیشه‌های ادبی را به منظور ایجاد دستگاه قضایی متخلق به اخلاق و مودب به آداب را موثر میدانند. ۳- حسینی کاتبی چندین مقاله در خصوص ادبیات حقوقی در مجله کانون و کلا چاپ کرده است و به اهمیت مطالعات بین رشته‌ای ادبیات و حقوق پرداخته و آن را ضروری دانسته است. در خارج از ایران کتابی با موضوع «ادبیات و حقوق» از فیلیپ مالوری نوشته شده است که دکتر مرتضی کلانتریان آن را به فارسی ترجمه کرده است. در این کتاب مطالبی مفید در خصوص اهمیت مطالعات بین رشته‌ای ادبیات و حقوق در پیشگفتار کتاب بیان شده است. از منظر نویسندگان، «حقوق» مسئله همه است و به همه تعلق دارد. طبق بررسی‌های انجام شده توسط پژوهشگر در ایران با جود مطرح شدن رابطه میان حقوق و ادبیات، تحت عنوان ادبیات حقوقی، جز چند مورد اندک در موضوعات حقوقی در ادبیات، پژوهشی در خصوص زیباشناسی واژگان و اصطلاحات حقوقی در غزلیات سعدی انجام نشده است.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی-توصیفی با استفاده از فیش‌برداری و کتابخانه‌ای میباشد که به بررسی تمام غزلیات سعدی بر اساس تصحیح محمدعلی فروغی پرداخته است.

مبانی تحقیق:

ادبیات حقوقی، شامل آن گروه از آثار ادبی است که با نگاه به واژگان، اصطلاحات، مفاهیم و اندیشه‌های حقوقی و نظامات قضایی سروده و نوشته شده‌اند. مطالعات میان رشته‌ای، سبب ارتباط و تبادل نظر بین دو رشته گوناگون، زمینه‌ای برای رشد و گسترش علوم و افزایش توانمندی آنان برای حل مشکلات پیچیده و دشوار میشود. ادبیات و حقوق، هر دو زیرشاخه علوم انسانی هستند که از دیرباز پایه‌ای هم در مکتب‌خانه‌ها و نظامیه‌ها آموزش

داده‌میشدند. بسیاری از مفاهیم آنها مشترک و برگرفته از منابع علوم اسلامی هستند که زمینه تحقیق و پژوهش در آنها وجود دارد. بنابراین نگاه بین رشته‌ای به این دو حوزه، ضروری به نظر می‌رسد و نباید بیهوده پنداشت که چون ادبیات، حالتی تخیلی-عاطفی، همراه با ابهام و پیچیدگی دارد و حقوق، حالتی منطق‌گرایانه، روشن، صریح و دارای زبانی فنی، علمی و اثبات‌گرایانه، از همدیگر جدا هستند. آموختن فقه و به تبع آن دانستن مفاهیم حقوقی و علوم قضایی سنتی جزئی از آموزش کلاسیک شعرا و حکمای آن روزگار بوده‌است. در ادبیات پارسی با رواج نظامیه‌ها، گسترش کتابخانه‌ها، مدرسه‌ها و مکتب‌خانه‌ها به ویژه از قرن ششم به بعد، علوم ادبی و شرعی در کنار هم و دوشادوش همدیگر آموزش داده‌میشدند و همین امر سبب شد واژگان، اصطلاحات، مفاهیم و اندیشه‌های حقوقی گوناگون و فراوانی خواسته و ناخواسته به وسیله شاعران و نویسندگان وارد حوزه نظم و نثر پارسی گردد. از آنجایی که «ایماژ تصویری است که به وسیله واژگان ساخته میشود» (کدکنی، ۱۳۷۵: ۹) بسیاری از این واژگان و اصطلاحات حقوقی در خدمت زیباشناسی ادبی و تصویرسازی هنری قرار گرفت. با این ترفند شاعر جهان بیرون را می‌بیند، آن را ادراک می‌کند، در ذهن خویش سامان میدهد و با استفاده از تخیل (صور خیال) جهان دیگری؛ یعنی جهان ذهنی متفاوتی می‌سازد. تصویر جدیدی از جهان ارائه میکند؛ با آشنایی‌زدایی عادت‌های همیشگی را در هم می‌شکند؛ آنچنان که مخاطب، تصویر خلق شده را چشم و گوش بسته می‌بیند و در ذهن خویش مجسم می‌سازد. سعدی، استاد مسلم سخن، یکی از این شاعران است که واژگان و اصطلاحات حقوقی را به زیبایی در تار و پود شعر خویش به کار گرفته‌است. مهارت سعدی در گزینش و کاربست واژگان و نوع چینش و ترکیب آنها به موازات سادگی و روانی، انسجام ساختاری و معنایی غزلیات او را به همراه دارد. «سعدی از آن نوع گویندگانی است که قوت زبان آنان در کیفیت ترکیب جمله است نه در توسل به تشبیه و استعاره و سایر صناعات ادبی» (دشتی، ۱۳۸۰:) از شگردهای عمده سعدی در فضا سازی هنری شعرش، ایجاد تناسب‌ها و قرینه سازی‌هایی در ادبیات به شکل کاربرد واژگان متضاد، هم معنا یا همگروه است که به ساخت موسیقی شعر، تصویرسازی‌های بدیع و تناسب‌ها و هماهنگی‌های لفظی و معنایی و برجستگی کلام منجر میشود. غزل سعدی در بسیاری از موارد زیبایی آفرینی صرف با زبان کلمات است؛ یکی از شگردهای هنری سعدی در تصویرسازی این است که با استفاده از زبان واژگان، زیبایی می‌آفریند. او زبان، واژگان و اصطلاحات حقوقی را در خدمت زیبایی‌آفرینی و تصویرسازی هنری به کار می‌گیرد. سعدی با استفاده از کلمات حقوقی درنگ را برمی‌انگیزد و سبب میشود در لفظ آنها درنگ کنیم؛ سپس در معنی آن دقیق شویم؛ با آشنایی زدایی به واژه‌ها و قواعد زبان، جانی تازه می‌دهد و با ترفندهای ادبی گوناگون سبب رستاخیز واژه‌ها، انتقال احساس و عاطفه به واسطه کلمات و در نهایت تصویرسازی و تأثیر در مخاطب و التذاذ ادبی میشود؛ چرا که هدف سعدی از کاربرد واژگان و اصطلاحات حقوقی آفرینش زیبایی با زبان است نه صرف خبر رسانی عادی و منطقی گفتار؛ زبان شعر غزلیات سعدی، زبان عاطفی همراه با تصویرسازی و زیباشناسی ادبی با استفاده از واژگان و ساختارهای معنایی است. «در شعر سعدی هرچه هست درونۀ زبان است؛ یعنی ساختارهای معنایی» (فتوحی ۱۳۹۳: ۴۲۲) شعر سعدی در مقایسه با دیگر شاعران بزرگ فارسی، از آرایه‌های ادبی و صور خیال کمتری برخوردار است و بیشتر هنر سعدی، تصویرآفرینی به کمک واژگان هنری است. «شعر سعدی از لحاظ صناعت‌های تصویری در رتبه فروتری نسبت به اشعار منوچهری، خاقانی و نظامی و خواجوی کرمانی است» (همان: ۴۲۲)

بحث

چشمست به کرشمه، خون من ریخت
وَز قتل خطا چه غم خورد، مست؟
(سعدی، ۱۳۹۶: ۳۹۷)

جُرم قتل، از زُمره جرایم خشونت‌آمیز علیه اشخاص است که صدمه حاصل از آن برای قربانی غیر قابل جبران است؛ از این‌رو در نظام‌های حقوقی دنیا مجازات سنگینی برای مرتکبان آن پیش‌بینی شده‌است. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۱۹) اگر شعر را آفرینش زیبایی به وسیله زبان بدانیم سعدی در این شعر اساس تصویرآفرینی شعر خود را بر کاربست زیباشناسانه واژگان و اصطلاحات حقوقی بنیان نهاده و کوشیده است که واژگان، اصطلاحات و مفاهیم حقوقی را قبل از اینکه به رشته شعر بکشد با هستی و جان خویش پیوند دهد و ضمن بیان اندیشه‌های حقوقی و تغزلی خویش، با ابزارها و شگردهای ادبی، احساس و عاطفه خویش را هنرمندانه ابراز دارد و موجب التذاذ ادبی و تأثیر در مخاطب شود. شاعر با شناختی ژرف از اصطلاحات حقوقی زمان خویش، با استفاده از تشبیه مضمّر می‌گوید: چشم مست تو در حکم قاتلی است که با تیر کرشمه خون مرا ریخته و به قتل رسانده و از آنجایی که در حالت مستی مرتکب جرم قتل شده و در نتیجه قصد فعل و قصد نتیجه را نداشته‌است، قتل خطای محض انجام داده؛ بنابراین غمی ندارد. قانون مجازات اسلامی قتل را به سه نوع عمدی، شبه عمدی و خطای محض تقسیم کرده‌است. (۲۸۹ ق.م.ا) بنابر حقوق موضوعه ایران، قتل خطای محض آن است که بدون «قصد فعل» و بدون «قصد نتیجه» باشد. به عبارتی در قتل خطای محض، «مرتکب نه قصد جنایت بر مَجْنی علیه را داشته و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او؛ مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید». (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۱۳۶) به راستی که «اهمیت و زیبایی تصویر شعری در شگفتی و غرابت آن است» (فتوحی، ۱۳۹۳: ۲۱) و چنانکه میبینیم راز تأثیر و ماندگاری کلام سعدی، همین شگفتی و غرابت، سادگی و روانی، حسن ترکیب کلمات، پختگی بیان، دوری از تکلف و تعقید و تسلط بر واژگان است. کارخانه ذوق سعدی واژگان خشک و بی‌روح حقوقی را در خود ذوب کرده و شعری به زیبایی و لطافت پرنیان بیرون داده است. زیبایی تصویر در تشبیه مضمّر چشم به قاتل و همچنین تشبیه نگاه و کرشمه به تیر، بر لطف سخن میافزاید. خون ریختن کنایه از کشتن و به قتل رساندن. «ایهام یکی از انواع هنجارگریزی معنایی است که خواننده پس از دستیابی به معنای گوناگون به اعجاب، التذاذ و اقیانوس میرسد از این رو کاربرد ایهام مورد توجه جدی شاعران برجسته ادب فارسی بوده است» (غنی‌پور ملک‌شاه و مهدینیا چوپنی، فصلنامه بهارادب، ۱۳۹۰، شماره ۲: ۱۲) و سعدی هم از این نوع کاربرد بهره گرفته است. خطا با ایهام تناسب ۱- اشتباه ۲- قتل خطای محض و در نهایت پرسش انکاری چه غم خورد مست؟ که اشاره‌ای ضمنی به عدم مسولیت کیفری مست دارد. واژگان خون ریختن، قتل، خطا و مست از واژگان و اصطلاحات حقوقی هستند که علاوه بر بارحقوقی که دارند در محور همنشینی با واژگان دیگر بیت (چشم، کرشمه) بر زیباشناسی آن افزوده‌اند و اگر تصویر را تصرف خیالی در زبان بدانیم (فتوحی، ۱۳۹۳: ۴۴) سعدی ضمن بیان مسائل حقوقی به معنای تغزلی، زیباشناسی، تصویرسازی و در مجموع به ادبیت کلام توجه دارد. تصویر ذهنی که سعدی از واژگان چشم به عنوان قاتل، کرشمه به عنوان ابزار قتاله با واژگان کنایی خون ریختن در معنی قتل دارد با سایر واژگان حقوقی قتل خطا و مست ایجاد کرده‌است، در واقع همان تصرفات ذهنی اوست که در نهایت منجر به تصویر شاعرانه زیبا و خیال‌پردازی هنری در کلام او شده‌است. سعدی می‌خواهد احساسات خود را زیباتر نشان دهد؛ پس مواد و مصالح خود را از علوم دیگر؛ یعنی حقوق به وام میگیرد و بر تن آن‌ها جامه شعر میپوشد. هدف او تجسم بخشیدن زیبا به احساسات خویش است. زبان زیبا، تجسم بخش عواطف سرشار شاعر در لحظات شور و جذبه و

ناخوادآگاهی است. بنابراین واژگان حقوقی را برای تجسم بخشی و آفرینش زیبایی‌های ادبی به خدمت می‌گیرد و انصافاً هنرمندانه و زیرکانه از عهده این کار برآمده است و اینجاست که راز سخن او را بهتر و ژرف‌تر درمیابیم که «همه گویند و سخن گفتن سعدی دگر است».

جرمی نکرده ام که عقوبت بَرَم؛ ولیک مردم، به شرع، می نَکُشد تُرکِ مستِ ما
(سعدی، ۱۳۹۶: ۳۹۰)

جرم در حقوق جزا عبارت است از «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد». «مقابل (ماده ۲ ق.م.ا) و **عقوبت** به معنی شکنجه، کیفر و مجازات است که به مجرم مرتکب جرم تحمیل میشود. اصل قانونی بودن جرم و مجازات از اصول مسلم حقوق جزا است به این معنا که هیچ فعل و ترک فعلی جرم نیست مگر آنکه قانون آن را جرم بشمارد و همچنین حکم مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. (اصل قانونی بودن جرم و مجازات) اصل ۳۶ قانون اساسی معادل قاعده «**قُبْحِ عِقَابِ بِلَا بَيَانٍ**» فقهی است و بر این امر دلالت میکند که بدون بیان حکم و تصریح قانونی، اگر کسی به کیفر برسد، عقل آدمی آن را قبیح و نادرست میداند و تا هنگامی که قانون‌گذار، افراد را از کاری منع ننموده باشند، انجام آن کار مباح است. سعدی با کاربست واژگان جرم، کردن (فعل)، عقوبت، شرع، کشتن و مست مفاهیم حقوقی را هنرمندانه در جهت بیان اندیشه‌های حقوقی-ادبی و زیباشناسی سخن خویش به رشته شعر کشیده است. از آنجایی که سعدی در کلام خود ساده، روان، تأثیرگذار و پرمحتوا سخن میگوید، ضمن اشاره به مفاهیم حقوقی مذکور میگوید: عقوبت بر طبق قوانین شرع و در مقابل جرم ارتكابی به مجرم اعمال می‌شود ولی ترک مست ما توجهی به اصول شرع ندارد و بی جرم و گناه مردم را عقوبت میکند و می‌کُشد و لذا من با اینکه جرمی نکرده‌ام ولی از عقوبت و مجازات در امان نیستم در این بیت واژگان حقوقی جرم، عقوبت و شرع را با هم به کار برده است. ترک مست ما، مردم را بر اساس قانون شرع نمی‌کُشد (کار او شرعی، عقلی و قانونی نیست) بلکه بر اساس قانون و قاعده عشق و عاشقی مجازات میکند. در این بیت سعدی، با درنگ در واژگان حقوقی فوق، نوعی آشنایی زدایی ایجاد میکند و همین آشنایی زدایی و درنگ در واژگان حقوقی سبب زیباشناسی، ادبیت کلام و التذاذ ادبی میشود.

جنایتی که بکردم اگر درست بپرسی فراق روی تو چندین بس است حدّ جنایت
(سعدی، ۱۳۷۷: ۲۲۵)

جنایت در لغت به معنی گناه کردن است و در حقوق جزای اسلام هر عمل (فعلی یا ترک فعل) است که بر آن عقوبت و یا قصاص مترتب گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۳: ۱۵۷۱) در حقوق پیشین ایران، جرائم از لحاظ شدت و ضعف به درجاتی همچون خلاف، جُنحه و جنایت تقسیم میشوند. حد نوعی مجازات شرعی است که در شرع کیفیت، نوع و میزان آن مشخص شده است (ماده ۱۵ و ۱۴ ق.م.ا). تصویرسازی و تصویرآفرینی در شعر سعدی اغلب، بدون ایماژ و تخیل یا بهره‌گیری از صور خیال شکل میگیرد. کلمات **جنایت**، **کردن (فعل)**، **حد** و تکرار مجدد **جنایت** از واژگان حقوقی هستند که علاوه بر تناسب و ایجاد شبکه معنایی زیبا، نوعی ایهام را شکل داده است. یکی از معانی **پرسیدن** مواخذه است که با واژگان حقوقی دیگر بیت ایهام تناسب دارد. واژه **حد** با ایهام تناسب دارای دو معنا است: نخست اندازه و حد و حدود و دوم نوعی مجازات شرعی است که سعدی با چیره دستی هر چه تمام این دو معنا را با هم در نظر گرفته است همین‌طور آرایه تکرار یا تصدیر در واژه جنایت بیان میدارد که فراق و دوری از روی تو بالاترین حد مجازات برای من است. تصرفات سعدی در واژگان، موسیقی شعر، صور خیال و نحو کلام تصویری ذهنی خلق میکند که به کمک خیال و کشف ارتباط میان پدیده‌ها از صورت بیان عادی و

منطقی به گونه بیان هنری، شعری و کلام مخیل در میآید. وی با ذهنی خلاق و آفریننده واژگان حقوقی خشک و بی روح را به یکدیگر پیوند زده و تصویری دل‌انگیز، زیبا و ادبی پدید آورده‌است.

نه اختیار من است این معاملت لیکن رضای دوست مقدم بر اختیار من است
(سعدی، ۱۳۷۷: ۱۲۹)

اختیار به معنای برگزیدن و انتخاب کردن است و در مقابل اجبار و اکراه به کار میرود؛ اجبار خارج شدن اراده کلی از انسان است و در وقوع عقد و ایقاع اثر آن بطلان عمل حقوقی است و اکراه ورود و فشار غیر قابل تحمل از طرف شخص ثالث است که در اثر آن، اراده فرد سلب نشده؛ در نتیجه اثر حقوقی آن غیر نافذ بودن عقد است. اختیار به معنی آزادی اراده در اعمال حقوقی مردم است. در بحث شروط صحت حقوق مدنی، در ردیف اهلیت، بلوغ، عقل و رشد از قصد و رضا صحبت شده که در ماده ی ۱۹۰ قانون مدنی شروط صحت عبارت است از: ۱- قصد و رضای طرفین ۲- معین بودن موضوع معامله ۳- مشروعیت جهت معامله (منصور، ۱۳۹۳: ۱۵). در اکراه قصد وجود دارد اما رضا کامل و سالم نیست؛ یعنی رضا وجود ندارد یا معیوب است. اکراه به دو صورت مادی و معنوی است. در اکراه مادی چون فقدان قصد و اراده وجود دارد عقد باطل است؛ مانند اجبار شخص در اثر انگشت پای سند. در اکراه معنوی فقدان رضا هست؛ بنابراین باعث عدم نفوذ عقد میشود مانند تهدید خانواده به انجام معامله (صفایی، ۱۳۹۳: ۱۰۴) معامله در حقوق مدنی بیشتر به معنی قراردادی است که جنبه مالی داشته باشد و گاهی هم به معنی عام، عقود غیر مالی را مانند نکاح در بر میگیرد. (همان: ۱۲) سعدی، استاد مسلم سخن، نیک آگاه است که تکرار مضامین و تصاویر گذشتگان در گذر زمان دیگر آن تأثیر و طراوت هنری خود را ندارد؛ بنابراین صورت‌های نو را جایگزین صورت‌های کهن میکند. واژگان اختیار، معامله و رضا از واژگان حقوقی هستند که با تناسب و تکرار زیبایی در کنار هم به رشته شعر کشیده شده‌اند. سعدی با کاربست واژگان و اصطلاحات حقوقی ضمن توجه به مفاهیم تغزلی به زیباشناسی شعر توجه دارد. هدف سعدی، طرح مفاهیم و پیام حقوقی صرف نیست بلکه واژگان و اصطلاحات حقوقی را در خدمت زیباشناسی شعر و مفاهیم تغزلی قرار داده و زیباترین تصاویر ادبی را با بهره‌گیری از واژگان و اصطلاحات حقوقی، ابراز میدارد. سعدی میگوید: هر چند در معامله و دادوستد عشق اختیاری از خود ندارم؛ اما چون رضای معشوق در آن هست و این رضایت مقدم بر اختیار من است، این معامله (عشق) نافذ است.

رای رای توس؛ خواهی جنگ و خواهی آشتی
ما قلم در سر کشیدیم، اختیار خویش را
(سعدی، ۱۳۹۶: ۳۸۵)

رای، قلم در سر کشیدن (اسقاط کافه خیارات) و اختیار از واژگان حقوقی هستند که به زیبایی در کنار هم قرار گرفته‌اند و ضمن بیان مباحث حقوقی توجه به زیباشناسی بیت مورد نظر سعدی بوده است. تکرار واژه رای و واج آرای مصوت بلند «آ» در رای و اختیار، تضاد و تقابل در واژگان جنگ و آشتی همچنین کاربرد کنایه قلم در سر کشیدن که کنایه از محو کردن و باطل ساختن و قلم در سر کشیدن اختیار خویش به کنایه اسقاط کافه خیارات و از اصطلاحات پرکاربرد حقوقی است. **اسقاط کافه خیارات**: اسقاط به معنی از بین بردن و کافه به معنای تمام است. اسقاط کافه خیارات معمولاً به صورت بندی در قرارداد اصلی آورده میشود یا اینکه بعداً موضوع توافقی جداگانه قرار میگیرد و به معنی از بین بردن تمام خیاراتی که به موجب آنها می‌توان قرارداد را به صورت یک جانبه فسخ کرد. عاشق در مقابل معشوق اراده‌ای از خود ندارد خواهی جنگ و خواهی آشتی هر دو مساوی هستند و هر دو در اختیار توس است. سعدی ضمن بیان اندیشه‌ها و مفاهیم حقوقی و توجه به زیباشناسی شعر با استفاده از

واژگان و اصطلاحات حقوقی، به مفهوم تغزلی شعر که همان تسلیم محض در مقابل عشق است، توجه دارد. در جای دیگر میگوید:

ما قلم در سرکشیدیم اختیار خویش را نفس ما قربان توست و رخت ما یغمای تو
(سعدی، ۱۳۹۶: ۵۹۵)

رضا به حکم قضا اختیار کن سعدی که شرط نیست که با زورمند بستیزند
(سعدی، ۱۳۹۶: ۴۸۲)

چنانکه میبینیم در این بیت، سعدی احساسات و عواطف را با کاربری درست، زیباشناسانه و به موقع واژگان حقوقی نشان میدهد. واژه‌ها و اصطلاحات حقوقی را درست انتخاب می‌کند، آنها را در ذهن و ضمیر خویش می‌پرورد سپس با دستان هنرمند خویش در بافت کلام خویش جای میدهد. او هنرمندی است چالاک که هرآنچه اراده کند، میسازد. راز تأثیر و ماندگاری سعدی در واژه‌گزینی و مهارت در کاربرد درست، مناسب و به موقع واژگان در ساختار کلام است. واژگان رضا، حکم، قضا، اختیار و شرط از واژگان حقوقی پرکاربرد هستند که شبکه معنایی زیبایی از تناسب واژگانی را با نخی‌های مرئی و نامرئی ادبی و زیباشناسی به هم وصل کرده است. واژه قضا با ایهام تناسب و تبادر به معنی ۱- منصب قضا و دستگاه قضاوت ۲- به معنای قضا و قدر و سرنوشت. به حکم دستگاه قضا یا بر اساس جبر و قضا و قدر رضا بده. شرط در اصطلاح حقوق و فقه به معنی مطلق تعهد است اعم از اینکه در ضمن عقد باشد یا مستقل از آن. سعدی واژگان متعدد حقوقی را پشت سر هم آگاهانه به قصد زیباشناسانه هنری در شعر خود به کار میبرد. مخاطب با شنیدن هر واژه حقوقی باید درنگ کند، در معنای آن دقیق شود؛ رابطه معنایی بین کلمات را درک کند و از آن لذت ببرد. همین تناسب‌ها و درنگ‌ها در بیت و یافتن ارتباط هنری و معنایی بین واژگان و آشنایی‌زدایی در آنها سبب لذت هنری و زیباشناسی ادبی میشود.

حور، فردا که چنین روی بهشتی بیند گرش انصاف بود معترف آید به قصور
(سعدی، ۱۳۷۷: ۴۴۳)

زبان مجموعه‌ای گسترده از واژگان، ترکیبات و ساختارهای دستوری است که به شاعر امکان میدهد تا از این مجموعه بزرگ به فراخور نیازهایش، گزینش‌های گوناگون داشته باشد. واژگان انصاف، معترف و قصور از واژگانی هستند که معنای حقوقی دارند و در علم حقوق کاربرد فراوانی دارند. این واژگان شبکه معنایی زیبایی از تناسب و مراعات نظیر ایجاد کرده‌اند که بر زیبایی‌شناسی بیت تأثیر زیادی دارد.

قصور در اصطلاح حقوقی، آن است که فردی، کار یا وظیفه‌ای را که به او محول شده انجام ندهد. تقصیر از لحاظ حقوقی مربوط به عمل عمدی است که ضمانت اجرا دارد. قصور کوتاهی است ولی ضمانت اجرا ندارد و سعدی آگاهانه در دو بیت بالا تقصیر و قصور را به درستی در معنای فقهی و حقوقی آن به کار برده است. حور در مقابل زیبایی معشوق باید به خبط و خطا و ناتوانی خود و در معنای حقوقی باید از افراط و تفریط در فعل (قصور) اعتراف کند. در شعر سعدی گاهی هیچ نکته خاصی نیست مگر همین سادگی و روانی شعر او که با استفاده از زبان واژگان اتفاق می‌افتد و سبب تمایز، تشخیص و زیباشناسی شعر او میشود.

ما را دگر معامله با هیچ کس نماند بیعی که بی حضور تو کردم اقال است
(سعدی، ۱۳۷۷: ۸۵)

سعدی اغلب واژگانی را برمگزیند که ساده، لطیف و یک‌دست بوده و با قالب شعری غزلیات او هماهنگ است. سعدی واژگان و مفاهیم حقوقی را در قالب جملاتی ساده و قاعده‌مند با استفاده از کمترین آرایه‌های ادبی و صورخیال به گونه‌ای طبیعی و نامحسوس و البته مطبوع و دلنشین در بافت کلام خویش جای می‌دهد. **معامله**: در لغت به معنی داد و ستد کردن و خرید و فروش است. (دهخدا) معامله در واقع همان عقد یا قرارداد است و تنها تفکیکی که کرده اند این است که معامله را در مورد عقود مالی بیشتر به کار می‌برند و برای عقود غیرمالی مانند نکاح به کار نمی‌رود. **معامله یا عقد** طبق ماده ۱۸۳ قانون مدنی «عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد.» معامله معانی مختلفی دارد: ۱. معامله به معنای بیع، که اخص از سایر معانی است. ۲. معامله به معنای عقدی که بین دو نفر واقع می‌شود. ۳. معامله به معنای عقود و ایقاعات. **بیع**: فروش، خرید، خرید و فروش. از اضداد است یعنی هم به معنی فروختن است و هم خریدن. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۲: ۹۱۹) و در اصطلاح حقوقی بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم (۳۳۸ ق.م) **حضور** دو نوع است: فیزیکی و معنوی. در بیع، حضور دو طرف فروشنده و خریدار و رضای متقابل خریدار و بایع از عناصر لازم عقد بیع است. (همان: ۹۲۰) در ماده ۳۴۶ قانون مدنی آمده است که عقد بیع باید مقرون به رضای طرفین باشد. **اقاله** در اصطلاح حقوقی به هم زدن عقد لازم است به تراضی یکدیگر و آن را **تفاسخ** (موافقت دو طرف در فسخ عقد) نیز گویند (لنگرودی ۱۳۸۱ (۶۸) ماده ۲۸۳ قانون مدنی گوید: «بعد از معامله، طرفین می‌توانند به تراضی آن را اقاله و تفاسخ کنند (۲۸۳ ق.م) بنابراین اقاله انحلال قرار داد و معامله است با تراضی یکدیگر (کاتوزیان، ۱۳۸۲ مقدمه علم حقوق) ماده ۲۶۴ قانون مدنی اقاله را در فصل سقوط تعهدات و از اسباب آن به شمار آورده است (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۸۴۷)

زرین کوب معتقد است که «طرز سعدی بر استواری لفظ و روانی معنی استوار است» (زرین کوب، ۱۳۷۴:) در این بیت سعدی تعدد واژگان و اصطلاحات حقوقی را در خدمت تصویر سازی، زیبایی‌شناسی ادبی و بیان اندیشه به کار بسته است. سعدی با کاربرد درست، هنری و تصویری واژگان و اصطلاحات حقوقی «معامله، بیع، حضور و اقاله» ضمن بیان معانی حقوقی و تغزلی شعر به تصویرسازی و زیبایی‌شناسی شعرعنایت دارد. واژگان معامله و اقاله را که واژگان کاملاً حقوقی هستند، هنرمندانه با نخ زیبای تناسبات واژگانی در کنار هم قرار داده بدون اینکه به چشم بزنند. معنی در شعر سعدی چونان مرواریدی است در دل صدف که تا صدف را شکافی، آشکار نشود. هر معامله و دادوستد بدون حضور معشوق اقاله و بدون اثر یا غیرنافذ است و موجب انحلال قرارداد است.

دگر مگوی که من ترک عشق خواهم گفت که قاضی از پس اقرار نشنود انکار
(سعدی، ۱۳۹۶: ۷۴۳)

اقرار در اصطلاح حقوقی عبارت است از: اخبار به حقی به نفع غیر و به زیان خود. (م. ۱۲۵۹ ق.م). به عبارت دیگر اقرار یعنی بیان مطالبی به ضرر خود و به سود دیگری یا اعتراف به انجام جرم از جانب متهم یا مرتکب جرم. اقرار صحیح از ادله اثبات دعوی و بلکه مهمترین آنهاست مقرر باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد ماده ۱۲۶۳ ق. م و لذا اقرار تحت شرایط اجبار و فشار فاقد اعتبار حقوقی است. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۳۲۴) در حقوق جزا گاه از اعتراف به جای اقرار استفاده می‌شود که مترادف هم هستند. **انکار** در اصطلاح حقوقی اظهار عدم قبول دعوی مدعی توسط

مدعی علیه است و در این معنی نقطه مقابل اقرار است (لنگرودی، ۱۳۸۱: ۱۶۰) **نشنود**: اشاره دارد به اینکه «انکار بعد از اقرار مسموع نیست.» (۱۲۷۷ قانون مدنی) **قاضی**: داور یا دادرس شخصی است که به تنهایی یا به عنوان عضوی از هیئت قضات، مدیریت یا ریاست دادگاه را بر عهده دارد و به قضاوت می‌پردازد و مسئولیت صدور حکم با اوست.

«قوت سعدی در ترکیب جمله است نه در توسل به استعاره و تشبیه و سایر صنایع بدیعی» (دشتی، ۱۳۵۴: ۱) واژگان قاضی، اقرار، از پس، نشنود و انکار در محور هم‌نشینی به زیبایی در کنار هم قرار گرفته‌اند. تقابل واژه **اقرار** و **انکار** و تناسب آنها با **قاضی**، از **پس اقرار** و **نشنود** بر زیبایی بیت افزوده و برجستگی خاصی در سخن وی ایجاد کرده‌است. تضاد و تقابل یکی از شگردهای خاص سعدی برای زیباشناسی شعر و کلام اوست. شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و زیبایی شعر، حاصل اجزای واحدهای سازنده آن است. بنابر این واژه انکار خودبخود واژه آن کار را هم به ذهن متبادر میکند و یکی از معانی کار در غزل سبک عراقی عشق و عاشقی است. تو در محضر قاضی به عشق خویش اقرار کرده‌ای و بر اساس قوانین قضایی، انکار پس از اقرار مسموع نیست. کجا توانست انکار دوستی کردن که آب دیده گواهی دهد به اقرارم (سعدی، ۱۳۷۷: ۵۷۰)

گواهی یا شهادت: یعنی، شخصی به غیر از اصحاب دعوا، نزد مقام قضایی رسیدگی‌کننده به دعوای حقوقی یا کیفری حاضر شود و از وقوع یا عدم وقوع یک امر یا یک جرم یا هر آنچه در نتیجه دعوا موثر است، خبر دهد. به عبارت دیگر یعنی اخبار از واقعه‌ای که به سود یکی از دو طرف و زیان دیگری، از سوی شخص ثالثی غیر از اصحاب دعوا بیان می‌شود. در سخن سعدی بلاغت صدق؛ یعنی قدرت بیان صریح و بی‌واسطه، جایگزین بلاغت صنعت و زبان مجازی می‌بود (فتوحی، ۱۳۹۳: ۴۲۳) سعدی با جهان بیرون و درون خویش تماس صریح و عریان دارد (همان: ۴۲۲) در این بیت سعدی واژگان حقوقی انکار کردن، گواهی دادن و اقرار را به همراه شاهد (آب دیده) با صداقت تمام، بی‌پرده و صریح ذکر کرده‌است و آنچه در سر و ضمیر پنهان خویش دارد آشکارا بر زبان می‌آورد. از ویژگی‌های زبان شعر سعدی تقابل واژه‌ها در بیت است (همان: ۴۲۶) انکار و اقرار با هم تضاد معنایی و در تقابل با هم هستند. انکار در آغاز بیت خودبخود واژه اقرار را در پایان بیت به ذهن متبادر میکند به طوری که اگر واژه انکار را در آغاز بیت حذف کنیم اقرار در پایان بیت از معنی و تأثیر خواهد افتاد. همین تقابل و تضاد معنایی در شعر سعدی سبب برجستگی کلام و تصویر شعری سخن او شده‌است و این همان مصداق سخن شفیعی کدکنی است که «تصویر را با مفهومی اندک وسیع‌تر شامل هرگونه بیان برجسته و مشخص» می‌داند. (کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۶) گواهی با واژگان انکار و اقرار تناسب معنایی دارد. در شعر غنایی انواع مجاز و استعاره رواج دارد و با استعانت از همین مجاز و استعاره‌ها می‌توان دست به تصویرسازی و هنرآرایی زد. سعدی آب دیده را در معنای مجازی اشک آورده است و با تشبیه مضمّر آن را در حکم مقرر، گواه و شاهدی میداند که بی‌پرده، اقرار به عشق و عاشقی خود میکند و همین صداقت در گفتار و رفتار که به قول فتوحی در شعر سعدی «مفهومی نزدیک به واقعیت دارد» (فتوحی، ۱۳۹۳: ۴۲۳) باعث زیبایی هنرمندانه شعر او شده‌است. در این بیت واژگان حقوقی به همراه صدق در گفتار باعث زیبایی و آفرینش معنی تغزلی در شعر گردیده و کلمات با نخ‌های آشکار و پنهان، آنچنان هنرمندانه به هم مرتبط شده‌اند

که کاخ اندیشهٔ سعدی را زیباتر میسازد. بخشی از تأثیر سخن سعدی برگرفته از همین صدق کلام اوست و قدرت بیان صریح و بی واسطهٔ اوست سعدی عشق خود را پنهان نمیکند؛ جار میزند و میگوید: نمی توانم عشق خود را انکار کنم زیرا اشک من گواهی به اقرار و قبول عشق من میکند.

عقل را گر هزار حجت است. عشق دعوی کند به بطلانش
(سعدی، ۱۳۷۷: ۲۱۴)

بطلان: هر عمل حقوقی که مخالف مقررات قانونی بوده و یا قانون آن را فاقد هرگونه اثر حقوقی شناخته باشد باطل خواهد بود مانند بیع صغیر مادهٔ ۲۱۲ قانون مدنی و صفت این عمل حقوقی را بطلان گویند. بطلان در مقابل صحت استعمال میشود که مطلق یا نسبی است. (لنگرودی، ۱۳۸۱: ۱۱۲) سعدی با ذکر واژگان حقوقی حجت (دلیل)، دعوی و بطلان، بطلان را در معنای فقهی و حقوقی اش بکار برده است. به این معنی که در جدل عشق و عقل، هرچند دلایل عقل، متعدد و فراوان باشند، عشق این دلایل را از اساس پوچ و بیهوده و باطل و بی‌اثر میداند. تناسب بین واژگان حجت، دعوی و بطلان و درنگ در این واژگان بر زیبایی هنری آن میافزاید. دعوی کردن عشق تشخیص دارد. هزار حجت مبالغه در داشتن دلایل فراوان، قوی و متعدد است. شعر در بحر خفیف سروده شده است و درنگ و مکثی که در ساختار موسیقایی واژگان میبینیم با آمدن واژگان حقوقی حجت، دعوی کردن و بطلان چند برابر میشود و همین درنگ‌های کوتاه، آهسته و قدم به قدم، ما را به تأمل در کلام سعدی وامیدارد. سعدی در انتخاب کلمات لحن کلام، موزونی و نغمگی حروف، روابط هنری و تصویری کلمات توجه ویژه‌ای دارد و با تصرف آگاهانه در شیوهٔ بیان، نیک میداند که بیان منطقی و خبری هیچ گونه تأثیر شعری و حسی نخواهد داشت؛ بنابراین با تصرفات خویش در واژگان و کشف ارتباط میان واژگان و ایجاد تصویر ذهنی به کمک خیال، کلام را، با وجود واژگان منطقی‌گرا و خشک حقوقی، از صورت بیان عادی و منطقی به سمت بیان هنری، شعری و کلام مخیل میکشاند و تصویری خلق میکند که پیش از او از عهدهٔ کسی برنیامده است.

نتیجه‌گیری

با تحلیل و بررسی کاربست واژگان و اصطلاحات حقوقی در شعر سعدی به این نتیجه رسیدیم که سعدی در بسیاری موارد اساس تصویرآفرینی شعر خود را بر کاربرد هنرمندانه و آگاهانهٔ واژگان و اصطلاحات حقوقی ساخته و پرداخته است. و با اینکه زبان حقوقی زبانی خشک، منطقی‌گرا و گزارشی است. از قرن ششم به بعد برخی شاعران اساس تصویرآفرینی شعر خود را بر کاربرد واژگان علمی علوم مختلف نهادند. سعدی از جملهٔ این شاعران است که زبان، واژگان و اصطلاحات حقوقی را در خدمت زیبایی آفرینی و تصویرسازی هنری غزلیات خود به کار گرفته است. در این پژوهش کل غزلیات سعدی با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، با هدف تعیین اثر زیباشناسانهٔ واژگان و اصطلاحات حقوقی و شگردهای آن در تصویر سازی غزل سعدی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان میدهد که مهارت سعدی در گزینش هنرمندانه و آگاهانهٔ واژگان و اصطلاحات حقوقی و نوع چینش و ترکیب این واژگان، با استفاده از ایجاد تناسب‌ها و قرینه سازی واژگان متضاد، هم‌معنا یا هم‌گروه و برجستگی کلام از راه تقابلی واژه‌ها و نغمهٔ حروف، گزینش و کاربست هنرمندانهٔ واژگان و اصطلاحات حقوقی در

محور همنشینی شعر و در نهایت آشنایی‌زدایی و درنگ در واژگان حقوقی سبب التذاذ ادبی، زیباشناسی هنری و تصویرآفرینی در غزلیات او شده‌است.

REFERENCES

Books

- Edward, Brown. (1950). From Saadi to Jami, Tehran: University Library.
- Ardebili, Mohammad Ali. (1993). General Criminal Law, Tehran: Mizan Publishing.
- Imani, Abbas. (1991). Criminology in Literature, Tehran: Nameh Hasti.
- Chomsky, Noam. (1990). On Nature and Language. M. Farrokhi Yekta, translator, Tehran: Roozbahan.
- Hajarian, Mohammad Hassan. (1999). Manifestation of Legal Concepts and Systems in Persian Poetry, Tehran: Jangal.
- Dashti, Ali. (1950). Saadi's Domain, Tehran: Kayhan.
- Zarin Koob, Abdolhossein. (1992). Poetry without Lies, Poetry without Mask, Tehran: Scientific Publications.
- Zarin Koob, Abdolhossein. (1999). Hadith Khosh Saadi, Tehran: Sokhan.
- Saadi, Sheikh Mosleh al-Din. (2017). Saadi's Generalities, (M. Foroughi, edited) Tehran: Qoghnoos.
- Saadi, Sheikh Mosleh al-Din. (1999). Saadi's Generalities. (M. Foroughi, edited) Tehran: Qoghnoos.
- Safa, Zabihullah. (1953). History of Iranian Literature.
- Safaei, Seyyed Hossein. (2014). Introductory Course in Civil Law, Tehran: Mizan Legal Foundation.
- Ghani, Qasem. (2007). Discussion on the Works and Thoughts of Hafez, Tehran: Hermes Publications.
- Futouhy, Mahmoud. (2014). Rhetoric in Image, Tehran: Sokhan.
- Forozanfar, Badi'ez-Zaman. (2008). Sokhan and Orators, Tehran: Zavar.
- Phillip, Mallory. (2002). Literature and Law, Tehran: Agh Publications.
- Golduzian, Iraj. (2005). Special Criminal Law, Tehran: University of Tehran.
- _____. (2002). The Essentials of General Criminal Law.
- Lengroudi, M. (2007). Legal Terminology (18th Edition), Tehran: Ganj Danesh.
- Movahed, Zia. (1994). Saadi, Tehran: Tarh No.
- Mirmohammad Sadeghi, Hossein. (2014). Crimes against Persons, Tehran: Mizan Legal Foundation.
- Noorbahar, Reza. (2000). Background of General Criminal Law.
- Articles

- Ebrahimi, Morteza. (2014, No. 2). Investigating the Necessities of Interdisciplinary Studies in the Field of Humanities. Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, 5-15.
- Katebi, Hossein Ali. (1975). Legal Literature or Law in Persian Literature, Publication of the Iranian Bar Association: 133.
- Ghanipour Malekshah and Mehdiinia Chopi (2011), Saadi's style in the composition of Iham and its spread in her ghazals, Baharadab Quarterly, No. 2: 12.

فهرست منابع فارسی

- ادوارد براون: (۱۳۳۹). از سعدی تا جامی، تهران: کتابخانه دانشگاه.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۲). حقوق جزای عممی، تهران: نشر میزان.
- ایمانی، عباس. (۱۳۳۹۰). جرم شناسی در ادبیات، تهران: نامه هستی.
- چامسکی، نوآم. (۱۳۸۹). درباره طبیعت و زبان. م. فرخی یکتا، مترجم، تهران: روزبهان.
- حجاریان، محمدحسن. (۱۳۸۸). تجلی مفاهیم و نظامات حقوقی در شعر فارسی، تهران: جنگل.
- دشتی، علی. (۱۳۳۸). قلمرو سعید، تهران: کیهان.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۱). شعر بی دروغ شعر بی نقاب، تهران: انتشارات علمی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). حدیث خوش سعدی، تهران: سخن.
- سعدی، شیخ مصلح الدین. (۱۳۹۶). کلیات سعدی، (م. فروغی، تدوین) تهران: ققنوس.
- سعدی، شیخ مصلح الدین. (۱۳۷۹). کلیات سعدی، (م. فروغی، تدوین) تهران: ققنوس.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۳۲). تاریخ ادبیات ایران.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۹۳). دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- غنی، قاسم. (۱۳۸۶). بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، تهران: انتشارات هرمس.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۳). بلاغت در تصویر، تهران: سخن.
- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۸۷). سخن و سخنوران، تهران: زوار.
- فیلیپ، مالوری. (۱۳۸۱). ادبیات و حقوق، تهران: دانشگاه تهران.
- (۱۳۸۱). بایسته های حقوق جزای عمومی.
- لنگرودی، م. (۱۳۸۶). ترمینولوژی حقوق *نسخه چاپ هجدهم، تهران: گنج دانش.
- موحد، ضیا. (۱۳۷۳). سعدی، تهران: طرح نو.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۳). جرایم علیه اشخاص، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نوربهار، رضا. (۱۳۷۸). زمینه حقوق جزای عمومی.

مقالات

ابراهیمی، مرتضی. (۱۳۹۳، شماره ۲). بررسی ضرورت‌های مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۵-۱۵.

کاتبی، حسینعلی. (۱۳۵۴). ادبیات حقوقی یا حقوق در ادبیات فارسی، نشریه کانون وکلا: ۱۳۳.

غنی‌پور، ملک‌شاه و مهدینیا چوبی (۱۳۹۰). سبک سعدی در ایهام‌سازی و گستردگی آن در غزلیات او، فصلنامه بهار ادب، شماره ۲: ۱۲.

معرفی نویسندگان

مهدی باقرپور: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

(Email: Bagherpour.m@fh.lu.ac.ir)

(ORCID: 0009-0001-3168-8958)

محمد رضا روزبه: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

(Email: Roozbeh.m@lu.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0009-0002-8863-1888)

محمد خسروی شکیب: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

(Email: Khosravi.m@lu.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-0140-7155)

صفیه مرادخانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

(Email: Moradkhani.s@lu.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-1067-2647)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mehdi Bagherpour: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

(Email: Bagherpour.m@fh.lu.ac.ir)

(ORCID: 0009-0001-3168-8958)

Mohammad Reza Roozbeh: Professor, Department of Persian Language and Literature, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

(Email: Roozbeh.m@lu.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0009-0002-8863-1888)

Mohammad Khosravi Shakib: Professor, Department of Persian Language and Literature, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

(Email: Khosravi.m@lu.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-0140-7155)

Safieh Moradkhani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

(Email: Moradkhani.s@lu.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-1067-2647)